
دستور المنجمين

از مؤلفی ناشناخته

تألیف حدود ۵۵۰۰ ق

احتمالاً در الموت و به خط مؤلف

نسخه برگردان دستنویس به نشانی Arabe 5968

کتابخانه ملی فرانسه

با مقاله محمد قزوینی (در شناسایی اثر)

مقدمه انگلیسی

سیدجلال حسینی بدخشانی

مقدمه فارسی

علی صفری آق قلعه (نسخه‌شناسی)، محمد باقری (مباحث نجومی)

زیر نظر

اکبر ایرانی



مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب



The Institute of Ismaili Studies

تهران ۱۳۹۸. ش

دستور المنجمين

•
از مؤلفی ناشناخته
تألیف حدود ۵۰۰ ه. ق
احتمالاً در الموت و به خط مؤلف

•
با مقاله محمد قزوینی (در شناسایی اثر)

•
مقدمه انگلیسی: سید جلال حسینی بدخشانی

•
مقدمه فارسی: علی صفری آق قلعہ (نسخه شناسی)؛ محمد باقری (مباحث نجومی)

ناشر: میراث مکتوب

با همکاری

مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن

مدیر تولید: محمد باهر

خط ثلث روی جلد: احمد عبدالرضایی

آماده سازی تصاویر و صفحه آرایی: محمود خانی

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شایانلو

چاپ (دیجیتال): میراث

چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

بها: ۳۵۰۰۰۰ تومان

شابک: ۸-۱۸۰-۲۰۳-۶۰۰-۹۷۸-۹۷۸-600-203-180-8 ISBN

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است
نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر: تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: tolid@MirasMaktoob.ir

<http://www.MirasMaktoob.ir>

فهرست مطالب

دستورالمنجمين (مقالة محمد قزوينى در شناسايى اثر)	يازده
مطالب دستورالمنجمين در نجوم و احكام نجوم (محمد باقرى)	سى و يك
نسخه شناسى دستورالمنجمين (على صفرى آق قلعه)	سى و نه

متن نسخه

مقالة اول: [تا ميانۀ فصل ششم افتاده است]

الفصل السابع: فى تواريخ الهند واستخراجها من التواريخ الثلاثة والثلاثة منها	١١
الفصل الثامن: فى سنى اليهود واعيادهم واستخراجها والتواريخ الثلاثة بعضها من بعض	١٤
الفصل التاسع: [اعياد اليهود] من التفهيم لآبى الريحان	٢٢
الفصل العاشر: فى الايام المعظمة فى الاسلام من شهور العرب	٤٠
الفصل الحادى عشر: معرفة تاريخ المجوس من تاريخ يزدجرد	٤٣
الفصل الثانى عشر: فيما بغيرهم من امثالهم وان لم يكن تحقق تحقيق اشكاله	٤٨

المقالة الثانية: فى مقدمة لاعمال التقاويم والمواليد	٥١
الفصل الاول: فى معرفة اقدار اوتار واثبات انصاف اوتار القسى فى الجداول لاستعمال هذه الاوتار المنصفه فى وجوه الحساب وما ينبغ ذلك	٥٣
الفصل الثانى: فى سهم القوس وقوس السهم من جدول وجداول الجيب	٥٦
الفصل الثالث: فى تعديل ما بين السطرين الجيب وسائر الجداول	٧٥
الفصل الرابع: فى معرفة ميل الاول	٧٥
الفصل الخامس: فى معرفة الارتفاع والظل ايتهما من قبل الآخر بالحساب والجداول	٧٨
الفصل السادس: فى معرفة مطالع البروج فى الفلك المستقيم	٨٣
الفصل السابع: فى معرفة مطالع البروج فى كل بلد بجهتين من الحساب	٨٧

المقالة الثالثة: فى اطوال البلدان وعروضها وانحرافات بعضها من بعض وسائر ما يتعلق بذلك	١١٥
الفصل الاول: فى صفة قبة الارض واستخراج طالعها	١١٦
الفصل الثانى: فى معرفة دور الارض بالاجزاء الاصلحية	١١٧
الفصل الثالث: فى معرفة عرض البلدان بالرصد	١١٩
الفصل الرابع: فى تصحيح اطوال البلدان بالكسوفات	١٢٢
الفصل الخامس: فى جدول اطوال البلدان المشهورة من جزائر الخالدات وعروضها عن خط الاستواء نحو الشمال	١٢٨

مقالة چهارم: [دربارة كسوفات]

.....	
الفصل الثانى: فى انواع الاستعلا الثلاثة	١٤٦
الفصل التاسع: فى تعديل مسير الكواكب فى التقاويم لخمسة ايام	١٤٩
الفصل السادس: فى تقويم الشمس	١٥٦
الفصل السابع: فى تقويم القمر وجوزهره	١٦١
الفصل الثامن: فى تقويم الكواكب	١٧٣
الفصل العاشر: فى عرض القمر	١٩٣
الفصل الحادى عشر: فى عروض الكواكب الخمسة	١٩٣
الفصل الثانى عشر: فى رجوع الكواكب واستقامتها وظهورها وانخفاضها وصعودها وهبوطها وما يمنع ذلك فى رجوع الكواكب واستقامتها	٢١٢
الفصل الثالث عشر: فى الاجتماعات واستقبالات	٢١٩
الفصل الرابع عشر: فى استخراج قطرى النيرين فى المنظر وقطر الظل	٢٣٩
الفصل الخامس عشر: فى معرفة بعد القمر من الارض	٢٤٠
الفصل السادس عشر: فى ارتفاع قطب فلك البروج المسمى عرض اقليم الرؤية	٢٤٥
الفصل السابع عشر: فى معرفة اختلاف منظر القمر فى دائرة الارتفاع	٢٤٨
الفصل الثامن عشر: فى صفة الكسوفين وتصورهما والفرق بينهما وبين اشكال نور القمر قبل الاستقبال وبعده	٢٧٠
الفصل التاسع عشر: فى معرفة رؤية الهلال واوايل الشهور واواخرها وسمت موضعه الذى يرى فيه ارتفاعه وانخفاضه وشكل صورته على حسب ما فيه من الصور واعتدال طرفيه وميلها عن نطاق البروج	٣٠٣
الفصل العشرون: فى اشكال ضياء القمر وساعات اضافته	٣١٧
الفصل الحادى و العشرون: فى استخراج طالع تحويل سنة العالم وطوالع بلوغ الشمس اوانل البروج وشرفها وهبوطها	٣١٧
الفصل الثانى و العشرون: فى غاية الارتفاع والساعات	٣١٩

الفصل الثالث والعشرون: في معرفة ساعات انتقال القمر وساعات مازجاته للكواكب	٣٢٦
الفصل الرابع والعشرون: في ستر القمر الكواكب واقتاراتها	٣٢٩
المقالة الخامسة: في اعمال الموالييد الرصديه	٣٣١
الفصل الاول: في معرفة اقدار مشارق الشتا والصيف ومغاربها من دائرة الافق في كل بلد من قبل زيادة النهار الاطول ومن قبل ارتفاع القطب اذا كان احدهما معلوماً	٣٣٢
الفصل الثاني: في معرفة ابعاد الكواكب عن فلك معدل النهار	٣٣٤
الفصل الثالث: في معرفة قوس النهار احد الكواكب وازمان ساعاته في كل بلد	٣٣٨
الفصل الرابع: في غاية ارتفاع الشمس او الكواكب	٣٤٢
الفصل الخامس: في معرفة درجة التي يتوسط السماء مع الكواكب	٣٤٢
الفصل السادس: في معرفة الدرجة التي تطلع معها بعض الكواكب والتي تغيب معها من درجة البروج	٣٤٩
الفصل السابع: في معرفة ما مضى من النهار من ساعة بقياس الشمس ومعرفة الطالع مع ذلك	٣٥١
الفصل الثامن: في معرفة ما مضى من الليل من ساعة بقياس احد الكواكب والطالع	٣٥٣
الفصل التاسع: معرفة الطالع بارتفاع القمر	٣٥٨
الفصل العاشر: في استخراج الطالع بقياس النجانات المعلومة المغيرة او المفروضة المجهول	٣٥٨
الفصل الحادي عشر: في استخراج الطالع من اظلال الاشخاص المجهولة	٣٥٩
الفصل الثاني عشر: في تسوية البيوت الاثني عشر	٣٥٩
المقالة السادسة: في اعمال الموالييد النمودارية	٣٦٥
الفصل الاول: في معرفة درجة الطالع عند الولادة	٣٦٦
الفصل الثاني: في نمودار بطلميوس القلوذي	٣٦٩
الفصل الثالث: في نمودار الهند	٣٦٩
الفصل الرابع: في نمودار واليس الاسكندراني اليوناني	٣٧٠
الفصل الخامس: في نمودار التسيير	٣٧١
الفصل السادس: في اوقات طلوع الفجر ومغيب الشفق	٣٧٢
الفصل السابع: في معرفة اول وقت العصر وآخره	٣٧٦
المقالة السابعة: في اعمال طوالع التحاويل والانتهاآت ومطارح الشعاعات والتسييرات الكبرى والصغرى	
وساير الاعمال المعلق بالاحكام	٣٧٧
الفصل الاول: في معرفة اوقات تحاويل السنين وطوالعها ومواضع الكواكب عند عودة الكوكب الى الجزء الذي كان فيه	
في الاصل	٣٧٨

دستورالمنجمین^۱

از جمله کتبی که در تهیه و تصحیح جلد سوم جهانگشا بکار برده شده و در حواشی چه در ذیل صفحات چه در آخر کتاب بسیار بدان حواله داده شده است نسخه بسیار نفیس منحصر به فردی است از نسخ کتابخانه ملی پاریس موسوم به دستورالمنجمین که از مهمات کتب اسماعیلیه نزاریه یعنی اسماعیلیه ایران است، و چون نسخه مزبوره از نقطه نظر تاریخ اسماعیلیه در نهایت اهمیت است و چون به اقرب احتمالات چنانکه بعد ذکر خواهد شد عین این نسخه را علاءالدین عظاملک جوینی مؤلف تاریخ معروف جهانگشای جوینی در دست داشته است مناسب چنان دیدیم که ذیلاً اندکی در وصف این نسخه شرح را بسط دهیم و امیدواریم که خوانندگان که به تاریخ ملل و تاریخ مذاهب و ادیان عموماً و به تاریخ ایران و آثار علمی و ادبی ایرانیان خصوصاً کمابیش علاقه دارند و اهمیتی بدین گونه مواضع می دهند ما را در انتخاب این موضوع مخصوص معذور خواهند داشت که در هر صورت خالی از بعضی فوائد تاریخی نخواهد بود.

دستورالمنجمین کتابی است به زبان عربی زیج مانند در نجوم و هیئت و دارای جداول مبسوط مطوّله در حرکات کواکب و طول و عرض بلدان و مخصوصاً در تاریخ امم مختلفه از حضرت آدم الی عصر مؤلف. نسخه ای که از آن در کتابخانه ملی پاریس محفوظ است به نشان 5968 Arabe و اول کسی که جلب انظار علما را به جانب این نسخه نمود ظاهراً هوتسما^۲ مستشرق معروف هلاندی است که در مقدمه تاریخ ابن واضح الیعقوبی (ص ده - یازده) که خود او در سنه ۱۸۸۳ به طبع رسانیده است^۳ به مناسبت اینکه در دستورالمنجمین بسیاری از اوقات از تاریخ ابن واضح نقل کرده است وصفی اجمالی از آن نموده است.

«نام مصنف در کتاب مذکور نیست، ولی به نظر می آید که او در اواخر قرن پنجم هجری در عهد خلفاء فاطمیین در مصر می زیسته است^۴ چه، من در این کتاب مؤلفی مؤخرتر از ابن مشکویه^۵ متوفی در سنه ۴۲۱ و

۱. یادداشت های قزوینی ۱۳۴۵، ج ۸، ص ۱۱۰ - ۱۴۳.

2. M. Th. Houtsma.

3. Ibn-Wâdhîh qui dicitur Al-Ja'qubi historiae, Leyde, 1883, Prefatio, x-xi.

۴. این فقره چنانکه از ما بعد معلوم خواهد شد بی اصل است.

۵. کذا بالشین المعجمه، یعنی مسکویه کما فی دستورالمنجمین ۳۴۱h، مسکویه بدون این است.

[ابوریحان] البیرونی متوفی در سنه ۴۴۰ نیافتیم. مؤلف از فاطمین به خصوص از المستنصر (متوفی در سنه ۴۸۷) به لفظ «مولانا» تعبیر می‌کند و از اینجا می‌توان استنباط نمود که وی شیعی بوده است^۱، و جای شک نیست که مؤلف تاریخ ابن واضح یعقوبی را در دست داشته و آن را در تألیف خود به کار برده است و همچنین در ضمن ذکر غزوات حضرت رسول وی از یک مؤلف دیگری موسوم به جعفر بن بشر (یا بشیر) [نام این شخص را عجلتاً سه مرتبه یافتیم که در دستورالمنجمین برده شده است، دو مرتبه در ورق ۳۱۶a و یک مرتبه در ورق ۳۲۴b، و در موضع اخیر صریحاً بشیر با یاء قبل الراء مسطور است، ولی در دو موضع اول چون غیر منقوط نوشته است احتمال الوجهین است ما بین بشر و بشیر، و گویا هوسما همان دو موضع اول را دیده بوده که تردید در خواندن آن نموده است، قزوینی نقل می‌کند که من از احوال او به هیچ وجه اطلاعی ندارم، مگر آنکه وی همان کسی باشد که در فهرست کتب الشیعة للشیخ الطوسی ص ۷۴ نام او برده شده است.

نام کتاب به نظر می‌آید که دستورالمنجمین باشد، هر چند در روی قطر کتاب^۲ «زیج مع التواریخ» نوشته شده است، ولی چون ابتدای کتاب و نیز بعضی اجزاء دیگر آن ناقص است و در حاجی خلیفه نیز نام دستورالمنجمین مذکور نیست تفتیش و سعی در اینکه نام مصنف به دست آورده شود بی فایده است.»^۳ انتهی کلام هوسما.

مرحوم دخویه مستشرق هلندی نیز در رساله قرامطة^۴ خود (ص ۸، ۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲) مکرر دستورالمنجمین را به کار برده است و در ص ۲۰۳-۲۰۶ فصلی از آن را راجع به انمة ثلثة مستورین عیناً طبع نموده است، و هرتویگ درنبورگ مستشرق فرانسوی نیز در فهرست نسخ مرینة مرحوم شفر ص ۱۲ وصف اجمالی از این نسخه نموده و حواله به مسطورات مذکوره هوسما و دخویه داده است، ولی کسی که درست ملتفت اهمیت فوق‌العاده این گردیده و آن را وصفی کافی و شافی نموده مستشرق معروف فرانسوی مأسوف علیه پل کازانوا است که در روزنامه آسیانی مورخه ژانویه - مارس ۱۹۲۲، ص ۱۲۶-۱۳۵ شرح بسیار نفیس عالمانه‌ای در وصف این کتاب و اهمیت آن و تاریخ تقریبی تألیف آن و موضع مظنون تألیف آن منتشر ساخته است^۵، و ما خلاصه مسطورات فاضل مشارلیه را به علاوه بعضی از ملاحظات که راقم سطور خود از مطالعه نسخه مزبوره استنباط نموده است تکمیلأ لفائدة القراء در اینجا درج می‌نمائیم.

کازانوا گوید: نسخه دستورالمنجمین که در کتابخانه ملی پاریس محفوظ است نسخه‌ای است به قطع خشتی به خط نسخ قدیمی دارای ۳۴۶ ورق که ۶۹۲ صفحه باشد. مشتمل است بر دو جلد، جلد اول ۱۸۸ ورق و جلد دوم ۱۵۸ ورق. جلد اول از طرف ابتدا ناقص و جلد دوم نیز از طرف آخر ناقص و ابتر است. جلد اول پس از یکی دو

۱. کذا.

۲. یعنی در روی نخن اوراق کتاب وقتی که کتاب بسته باشد.

3. De Goeje. *Mémoire sur les Carmathes du Bahrain et les Fatimide*, Leide, 1886, 2e éd.

4. Mr. Paul Casanova, *Un nouveau manuscrit de la secte des Assassins*, Journal Asiatique, No. janvier-mars, 1922, pp. 126-135.

ورق از ابتدای کتاب شروع می‌شود و در ورق ۱۸۸b به کلمات «تَمَّ النصف الاول من دستور المنجمين» ختم می‌شود، و جلد ثانی به ورق ۳۴۶ که ورق آخر کتاب است بغتةً ختم می‌شود بدون اینکه خود کتاب یعنی مطالب آن تمام شده باشد، و بسیاری از اوراق کتاب ناقص است و بسیاری دیگر از حیث ترتیب مغشوش و جا به جا و پس و پیش است.

اصل مندرجات کتاب عبارت است از دو قسمت متمایز: یکی قسمت نجومی و دیگر قسمت تاریخی. قسمت نجومی که دارای جداول بسیار متعدد است در تقویم حرکات کواکب و خسوف و کسوف و طول و عرض بلدان و غیرها شامل تمام جلد اول کتاب است با قسمتی بزرگ از اوایل جلد ثانی، و قسمت تاریخی کتاب که عمده آن مجداول است به طرز تقویم الابدان ابن جزله یا تقویم البلدان ابوالفدا از اواسط جلد ثانی از ورق ۲۴۰b شروع شده به ورق آخر کتاب (ورق ۳۴۶) ختم می‌شود.

اغلب مطالب کتاب چه نجومی چه تاریخی از مؤلفات دیگر نقل شده است به عین عبارات و در اغلب موارد نام مؤلف و نام کتاب او به اسم و رسم برده شده است.

و چون بسیاری از این مؤلفات اکنون از میان رفته است این فصول منقوله از آنها بالطبیعه دارای اهمیت فوق‌العاده است و اسامی عمده مصنفین و کتبی که از آنها در تصانیف کتاب نقل کرده است از قرار ذیل است: ابوریحان بیرونی که گویا از همه بیشتر از او نقل کرده است از کتب مختلفه او از التفهیم، و القانون [المسعودی ظ.] و الارشاد^۱ [۱۸۳b، ۱۸۶a]، و کوشیار، و بتانی، و ابوالحسین صوفی^۲ [از جمله ۱۶۹a، ۱۹۷b، ۲۲۳b]، و بعضی جاها نام کتاب او را برده است: «کتاب الصور لابی‌الحسین الصوفی» [از جمله ۲۲۳b]، و ابوجعفر الخازن^۳ [از جمله ۱۴۱a، ۲۴۸b، ۲۵۲b]، و بعضی جاها نام کتاب او را برده است: «کتاب العالمین لابی‌جعفر الخازن» [از جمله ۲۴۸b، ۲۵۲b] و حبش [از جمله ۱۹۵a]، و ابوالوفاء بوزجانی^۴ [از جمله ۱۴۸a] (بدون «بوزجانی»)، [۱۶۸a، ۱۷۲a، ۱۷۳a-b]، و الجامع الشاهی [لاحمد بن محمد بن عبدالجلیل السجزی^۵]، از جمله ۲۳۵b، ۲۳۶b]، و الحاجب اللتیری (؟) [از جمله ۲۰۳b]، و سد بن علی (؟) [از جمله ۱۷۲a، ۱۸۴a]، اینها اغلب اسامی کسانی است که در قسمت نجومی از کتب ایشان نقل کرده است، و در قسمت تاریخی کتاب قبل از شروع به جداول (ورق ۲۶۳a) فهرستی از مآخذی که جداول مؤسس بر آنهاست ترتیب داده و برای اعداد سنوات منقوله از هر یک از این مآخذ در طی جداول رقمی گاه به ارقام هندی و گاه به حروف جمل معین کرده و باز هر

۱. گویا مقصود الارشاد الی تصحیح المبادی باشد که در فهرست کتب بیرونی در مقدمه‌ساختانو بر الآثار الباقیه ص ۳۴ مسطور است.

۲. معروف صاحب صور، رجوع به قفطی در «عبدالرحمن».

۳. رجوع به قفطی ۳۹۶ و ۴۰.

۴. ترجمه او در قفطی مسطور نیست ولی نام او در آنجا ص ۶۴ برده شده است.

۵. رجوع به چهار مقاله در فهرست اسماء الرجال و فهرست اسماء الکتب.

یک از این ارقام را به رنگی مختلف از سیاه و سرخ و سبز و کبود و زرد بر حسب تفاوت مآخذ نوشته و به این طریق در اثناء جداول علی الاتصال محتاج به تکرار ذکر مآخذ نشده است و فهرست مذکور از قرار ذیل است: «التوریه، التاریخ عن ابن واضح، المبتدأ عن ابی حذیفه القرشی (۴)، المعارف عن القتیبی [= ابن قتیبه]، مختصر التاریخ عن ابی القاسم التیمی^۱ (۴)، المذیل عن ابن جریر الطبری، الاخبار الطوال عن ابی حنیفه الدینوری، الزیج عن البتانی، شاهنامج فی تاریخ الفرس^۲، القانون [المسعودی ظ] عن ابی الریحان»، و بعدها در ضمن سوق وقایع تاریخی از بعضی علما و مصنفین دیگر نیز نقل کرده است، ابن بابویه^۳ از جمله ۲۵۶b، ۳۰۳b، ۳۰۹a، و در دو موضع اخیر نام کتابی را از او برده است به اسم کتاب السوات (= النبوات) که ظاهراً همان کتب النبوة است که در رجال استرآبادی ص ۳۰۷ و در لؤلؤة البحرين شیخ یوسف بحرانی چاپ بمبئی ص ۳۰۴ هر دو نقلاً عن النجاشی در ضمن تألیف او مسطور است، و جعفر بن بشیر^۴ از جمله ۳۱۶a، ۳۲۴b، و رجال کشی^۵ از جمله ۳۴۴b، و

۱. اسم کامل او را در ورق ۲۵۸b، ۲۹۱a این طور ذکر کرده است: «ابوالقاسم الطیب بن علی التیمی صاحب مختصر التاریخ».
۲. ما ندانستیم مقصود وی از این شاه نامج فی تاریخ الفرس که دو مرتبه دیگر (ورق ۲۵۹a، ۲۵۹b) نام آن را برده است کدام شاهنامه بوده است: آیا شاهنامه ابوالمؤید بلخی که ذکر آن در ترجمه تاریخ طبری از بلعمی و در مقدمه قابوس نامه و در تاریخ ابن اسفندیار آمده است (رجوع به مجله کاوه شماره ۱ از سال ۲ از دوره جدید مورخه غره جمادی الاولى ۱۳۳۹ ص ۱۵-۱۶)، یا شاهنامه ابو علی محمد بن احمد بلخی شاعر که ذکر آن در الآثار الباقیه ش ۹۹ آمده است (رجوع به کاوه، ایضاً، شماره ۳ ص ۱۱)، یا شاهنامه ای که ثعالبی در کتاب غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم در دو موضع (طبع زنتیرگ ص ۲۶۳-۲۵۷) نام آن را بدون ذکر نام مؤلف برده و دو فقره از آن نقل کرده است (کاوه، ایضاً ص ۱۲)، یا شاهنامه نثری که به فرمان ابومنصور محمد بن عباس اراق طوسی حاکم طوس در حدود سنه ۳۴۶ جمع کرده اند و اساس نظم فردوسی همین شاهنامه بوده است و ذکر آن در چندین موضع در الآثار الباقیه ص ۳۸، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸ آمده است و قسمتی از دیباچه آن در بعضی نسخ خطی شاهنامه فردوسی هنوز باقی است (کاوه، ایضاً ص ۱۲-۱۳ و در شماره ۷ از سال ۵ مورخه غره ذی القعدة ۱۳۳۸ ص ۵)، - در هر صورت قریب به یقین است که مقصود مؤلف دستورالمنجمین شاهنامه فردوسی نباید باشد، چه در ورق ۲۵۹b از شاهنامج نقل می کند که مدت سلطنت ملوک الطوائف که از جمله ایشان اشکانیان بودند چهارصد و یازده سال بوده است و حال آنکه در شاهنامه فردوسی مدت سلطنت اشکانیان را دویست سال ذکر کرده است، چنانکه گوید:

از این گونه بگذشت سال دویست
تو گویی که اندر جهان شاه نیست

- پس مقصود مؤلف دستورالمنجمین لابد شاهنامه دیگری بوده است غیر شاهنامه فردوسی ولی کدام شاهنامه؟ و چه مفید می بود اگر معلوم می شد که در حدود سنه ۵۰۰ هجری که سال تألیف دستورالمنجمین است چه شاهنامه دیگری غیر از شاهنامه فردوسی هنوز موجود بوده که مؤلف آن را به کار برده بوده است، و اگر کسی فرصت داشته باشد و به دقت اعداد سنوات منقوله از شاهنامه را با شاهنامه فردوسی مقایسه نماید احتمال قوی دارد که این نقطه تاریک قدری روشن تر گردد، [گویا از ملاحظه کتاب چیز چنگ به دل زنی در خصوص شاهنامه بر نخواهد آمد، چنانکه از مطالعه ثانوی مستعجل آن کتاب استنباط نمودم سطحیاً] (یادداشت شخصی که باید در پاکتویس نهانی حذف شود).
۳. به قرینه ذکر کتاب النبوات مراد از ابن بابویه بلاشک ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی المتوفی سنه ۳۸۱ المعروف بالشیخ الصدوق است (رجوع به رجال استرآبادی ص ۲۳۱، و فهرست الطوسی ۲۱۸، و کتاب الفهرست لابن النديم ص ۱۹۶) به پدرش ابوالحسن علی از اشهر مشاهیر علمای شیعه اثنی عشریه که او نیز مشهور به ابن بابویه است.
 ۴. رجوع کنید به ص دوازده سطر ۴ در ضمن نقل کلام هونسا.

۵. در ضمن ترجمه حال علی بن موسی الرضا علیه السلام خبری از رجال کشی نقل کرده است، به این مضمون که آن حضرت اعتراف به امامت اسمعیل بن جعفر الصادق نموده است، و لازم به تذکار نیست که این خبر اصلاً و ابداً در اختیار رجال کشی که به دست است موجود نیست و ممکن هم نیست که در هیچ نسخه ای از آن موجود بوده باشد. چه کشی که از اعظام رجال شیعه اثنی عشریه است چگونه ممکن است در

کتاب الضیاء لسعد بن عبدالله القمی^۱ [از جمله ۳۴۴a] و معالم الهدی للقاضی النعمان^۲ [از جمله ۳۳۵a]، و کتاب افتتاح الدعوة بدون ذکر نام مولف [از جمله ۳۳۵a]، ولی قریب به یقین است که این کتاب از همان قاضی نعمان مذکور است و همان کتابی است که ابن خلکان (۲: ۲۹۷) به اسم ابتداء الدعوة در ضمن تألیف او می‌شمرد، و کتاب الملاحم للفرزای^۳ [از جمله ۳۳۵a]، و مفتاح العلوم خوارزمی^۴ [بسیاری از اوقات از جمله ۲۸۵a، ۲۹۸a، و ظ ۲۹۴b، ۲۹۵]، و مغازی واقدی [از جمله ۳۱۶a]، و مغازی محمد بن اسحق [ایضاً]، و تاریخ حمزة اصفهانی بسیار مکرر [از جمله ۲۵۷a، ۲۵۹b، ۲۸۷b، ۳۰۱b]، و کتاب العویص (کذا) من کتب المحاسن للبرقی^۵ [از جمله ۲۵۶a]، و تجارب الامم مسکویه^۶ [از جمله ۳۴۱b].

- کتاب خود چنین خبری روایت کند در حقانیت مذهب اسماعیلیه و ابطال طریقه اثنی عشریه، گو آنکه بر فرض محال این خبر هم فی الواقع راست بوده است ولی واضح است که هم اصل این خبر (مانند بسیاری از اخبار دیگر منقوله در این کتاب در نصرت مذهب اسماعیلیه) و هم نسبت روایت آن به کشی از مجعولات متعصین اسماعیلیه است که یکی از اظهر افراد آنها مصنف دستورالمنجمین بوده است.
۱. ابوالقاسم سعد بن عبدالله بن ابی خلف الاشعری القمی المتوفی سنه ۲۹۹ او ۳۰۰ او ۳۰۱ از مشاهیر علمای شیعه اثنی عشریه است (رجوع کنید به فهرست طوسی ص ۱۵۲-۱۵۳، و رجال استرآبادی ص ۱۵۹-۱۶۰)، و کتاب الضیاء مذکور در متن در فهرست شیخ طوسی به اسم کتاب الضیاء فی الامامة در ضمن تألیف او مسطور است، ولی خبری که صاحب دستورالمنجمین در ضمن ترجمه حال حضرت موسی الکاظم از آن کتاب نقل می‌کند به این مضمون که آن حضرات از تلقب به امامت امتناع نمود ظاهراً بل قطعاً از قبیل خبر منقول از رجال کشی که در حاشیه قبلی اشاره شد یعنی از مجعولات و موضوعات اسماعیلیه باید باشد.
۲. یعنی نعمان بن محمد بن منصور متوفی در سنه ۳۶۳ از قضات معروف اسماعیلیه در زمان معز، رجوع کنید به ابن خلکان در حرف نون ۲: ۲۹۷-۳۰۱، و ملحقات اخبار القضاة بمصر طبع گست Guesl ص ۵۸۴-۵۸۶، وروضات الجنات ص ۷۵۸، و کتاب معالم الهدی را در مآخذ مذکوره در ضمن تألیف قاضی نعمان نیاتم (رجوع به مستدرک الوسائل؟).
۳. مراد بلا شک ابو اسحق ابراهیم بن الحکم بن ظهیر الفرزای است، «صنف کتباً منها کتاب الملاحم» (فهرست الطوسی ص ۱۱، و رجال الاسترآبادی ص ۱۱)، عصر او علی التحقیق معلوم نیست، ولی چون شیخ طوسی (متوفی در سنه ۴۶۰) به سه واسطه از او روایت می‌کند معلوم می‌شود قریب یک قرن کمابیش قبل از شیخ می‌زیسته است.
۴. در لیدن (هلاند) در سنه ۱۸۹۵ در اهتمام فن فلوتن به طبع رسیده است.
۵. یعنی ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی البرقی القمی المتوفی سنه ۲۷۴ یا ۲۸۰ از اجلة علمای شیعه اثنی عشریه، رجوع کنید به فهرست شیخ طوسی ص ۳۷-۴۰، و رجال استرآبادی ص ۴۲-۴۳، و فهرست ابن النديم ص ۲۲۱، و کتاب المحاسن یا کتب المحاسن چنانکه در متن و در یک موضع از رجال استرآبادی ص ۴۳ س ۱۲ مذکور است از مشاهیر کتب برقی است و آن کتاب بسیار مفصل مسوطی بوده است دائرة المعارف مانند مشتمل بر عدة کثیری از کتب مستقله در مواضع مختلفه قریب هفتاد کتاب که از جمله آنها کتابی بوده است که در فهرست طوسی و فهرست ابن النديم و رجال استرآبادی به اسم کتاب العویص (با نسخه بدلهای العویص و العویص در فهرست طوسی) مسطور است و در دستورالمنجمین چنانکه در متن نقل شد به اسم کتاب العویص (بدون نقطه)، و در رجال استرآبادی در موضع دیگر (ص ۴۳ س ۳) به اسم کتاب العواصی، و ظاهراً اسم کتاب العویص بوده است یعنی کتاب مشکلات و مسائل غامضه. در فهرست ابن النديم در اینجا (ص ۲۲۱) خلط عظیمی از طابع یا از نسخا به عمل آمده و بی مناسبت ترجمه حال حسن بن محبوب سهواً در وسط ترجمه حال برقی چاپ شده است یعنی سطر ۵-۷ تا کلمه «الذیات»، باید از جای خود برداشته شده به جای دیگری قبل از ترجمه برقی یا بعد از آن نقل داده شود، و نیز در آنجا به واسطه سهو نسخا یا سهو خود مصنف و بر خلاف اجماع کتب رجال شیعه کتاب المحاسن را به پدر صاحب ترجمه نسبت داده است به جای خود صاحب ترجمه.
۶. رجوع کنید به ص یازده حاشیه ۵.